

ابیات عربی نامه‌های عین‌القضاة همدانی

سعید واعظ*

بخش دوّم قسمت دوم♦

چکیده

عین‌القضاة همدانی در نامه شصت و پنجم از نامه‌های خود در مکتوبات در بحث از واجب و مستحب و حرام ... گوید:

«... و بعضی [کارها] بود که نه واجب ضروری بود، امّا کردنش به نسبت با مقصود، او به از ناکردن بود. چون اشعار تازی بسیار یاد گرفتن، چه اگر اشعار یاد نگیرد، از نامه نوشتن به تازی باز نماند. امّا آن به بود که یاد گیرد تا مکتوبات او موثّق بود به اشعار عربی، و این قسم را در زبان شرع مستحب خوانند یا مندوب»

همدانی خود به این مستحب عمل نموده، و نامه‌های او مناسب حال و مقال مشحون از اشعار زیبا و لطیف عربی است. نگارنده این سطور در این مقاله، با بضاعت مزجاة خود به ترجمه و تعیین منابع و مستندات اشعار عربی نامه‌های عین‌القضاة پرداخته است.

* * *

خَلَقَ اللهُ لِلْحُرُوبِ رِجَالًا وَ رِجَالًا لِقَصَعَةٍ وَ ثَرِيدٍ

جلد ۲ ص ۱۲۲

خدا مردانی را برای جنگ و مردانی را برای کاسه ترید آفریده است.

• عضو هیئت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبائی.

♦ برای اطلاع از بخش‌های دیگر رجوع کنید: مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت معلم، سال یازدهم شماره ۴۲ - ۴۳، زبان و ادب: مجله دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی دانشگاه علامه طباطبائی، پاییز ۱۳۸۳ و بیک نور؛ فصلنامه دانشگاه پیام نور سال دوّم، شماره سوّم، پاییز ۱۳۸۳.

این بیت بدون ذکر گوینده آن در کتاب «السَّحْرُ الحلال، آمده است.^۱

* * *

لَوْ لَا التَّرِيدَانِ هَلَكْنَا الضَّمَارُ تَرِيدٌ لَيْلٍ وَ تَرِيدٌ النَّهَارُ

جلد ۲ ص ۱۲۲

این بیت را صاحب لسان العرب ذیل ماده «نهر» به این سیده نسبت داده و چنین آورده است:

لَوْ لَا التَّرِيدَانِ لَمُنَّا بِالضَّمْرِ تَرِيدٌ لَيْلٍ وَ تَرِيدٌ النَّهْرِ

در لسان العرب از قول جوهری می‌نویسد: التَّهَارُ ضِدُّ اللَّيْلِ، وَ لَا يُجْمَعُ كَمَا لَا يُجْمَعُ الْعَذَابُ وَ السَّرَابُ، فَإِنْ جَمَعْتَ قَلْتَ فِي قَلِيلِهِ : أَتُهُرُ وَ فِي الْكَثِيرِ: نُهْرُ، مِثْلُ سَحَابٍ وَ سُحْبٍ.

مرزوقی متوفی در ۴۲۱ هـ نیز این بیت را در کتاب خود الأزمنة و الأمكنة آورده است.^۲

او می‌نویسد: اگر یکی از من بیرسد چرا « لیل و نهار » جمع بسته نمی‌شود؟ می‌گویم « النهار » همانند « الضیاء و « الظلام » است، همچنانکه آنها جمع بسته نمی‌شوند، این هم جمع بسته نمی‌شود، و اگر جمع بسته شود جزو شواذ است و این بیت ما نحن فیه را شاهد می‌آورد.

در خاتمه اضافه می‌نماید « الضَّمْر » به معنی لاغری و باریک اندامی است، بنابراین معنی

بیت چنین خواهد بود:

«اگر ترید شب و روزها نبود از لاغری می‌مردیم».

خوانندگان گرامی جهت اطلاع بیشتر می‌توانند به الشواهد الشعرية في تفسير القرطبي

جلد ۲ ص ۲۱۲ و جلد ۳ ص ۴۱ مراجعه نمایند.

* * *

۱. السَّحْرُ الحلال في الحكم و الأمثال، السَّيِّدُ أحمد الهاشمي، ص ۷۱.

۲. الأزمنة و الأمكنة، المرزوقی، جلد ۱ ص ۷۶ و ۱۳۹.

إذا ما أصبنا كلَّ يومٍ مذيقَةً و خمسُ ثُميراتٍ صغارٍ كوانزِ
فنحنُ ملوكُ الناسِ شرقاً و مغرباً و نحنُ أسودُ الناسِ عندالهِزاهِزِ
و كم مُتمنٍّ عيشنا لا يناله و لو ناله أضحى به جدُّ فائزِ

عين القضاة ۱۲۲ / ۲

«ما هرگاه روزانه مقداری شیر آبکی و اندی خرمای کوچک ذخیره به دست بیاوریم پس ما شهریار مردم و دلیرترین آنان در نبردها هستیم . بسا مردم آرزو می‌کنند مثل ما زندگی کنند که به آن آرزو نمی‌رسند، ولی اگر برسند تلاش موفق‌ی خواهد بود.»

بیت اول و دوم این مقطوعه سه بیتى را در جلد ۳ ص ۱۲۶ التذكرة الحمدونية بدون اشاره به گوینده آن چنین آورده است:

إذا ما أمتدقنا كلَّ يومينٍ مدقةً بِخمسِ ثُميراتٍ صغارٍ كوانزِ
فَنحنُ ملوكُ الأرضِ حَصَباً و نعمةً و نحنُ ليوثُ الحربِ عندالهِزاهِزِ

جهت اطلاع بیشتر به محاضرات الأدباء جلد ۲ ص ۳۱۳ مراجعه شود.

* * *

تلومُ على تَرَكَ الغنى باهليَّةً طوى الدهرُ عنها كلَّ طرفٍ و تالِدِ
رأت حَوْلها النِّسوانَ يرْفُلنَ فى الحلى مُقلِّدَةً أَعْتاقُها بِالقَلانِدِ
و هَبْنى كَأنى نلتُ ما نالَ جَعْفَرُ مِن المالى أَو مالِ نالِ يحيى بنِ خالِدِ
فإنَّ جسيماتِ الأمورِ مشوبَةٌ بِمُسْتودعاتٍ فى بَطونِ الأَساودِ

جلد ۲ ص ۱۲۳

بیتها از کلثوم بن عمرو بن الحارث التغلبى العنابى، مکنى به أبو عمرو یا أبوعلی از اهالی

قنسرین است.^۱

عتابی به ناپاکی و چند و چون لباسهایش اهمیت نمی‌داد. یحیی بن خالد او را به این سبب سرزنش نمود. او گفت: خداوند نابود کند مردی را که فکر و ذکرش لباس و خوشبویی آن باشد. همانا اینها از خواسته‌های زنان و اهل هوی و هوس است و ...^۲

آورده‌اند او زنی باهلی داشت، زنش او را ملامت نمود و گفت: این منصور نمری مال و ثروت جمع کرد و به آرایش زنش پرداخت و برای خود خانه ساخت و ... ولی تو همان هستی که بودی. پس او شروع به خواندن این شعرها نمود که در آن به برامکه کنایه زده و یادآوری می‌کند که مصاحبت با سلطان سرانجام خاص خود دارد.^۳

أبوهفان گوید که هارون الرشید پس از کشتن وزیر خود جعفر بن یحیی بن خالد برمکی^۴ و پاشیده شدن ثروت و مکتت او عتابی را دید و به او گفت: ای عتابی تازه چه سروده‌ای؟ و او ارتجالاً این بیتها را سرود: «تَلَوْتُ عَلَيَّ تَرَكَ الْغَنَى بَاهِلِيَةَ...»

لازم به یادآوری است که این بیتها معروف بوده و به روایتهای گوناگون نقل شده است که خوانندگان گرامی می‌توانند در الأغانی جلد ۱۳ ص ۱۲۳، عیون الأخبار جلد ۱ ص ۳۳۵، عقدالفرید جلد ۳ ص ۱۶۸، البیان و التبيين جلد ۳ ص ۳۵۳، زهرالآداب جلد ۳ ص ۵۲ و الحیوان جلد ۴ ص ۲۶۶ مراجعه نمایند.

«زن من باهلیه که روزگار هرگونه مال موروث و مکتسب را از او گرفته است، مرا

۱. معجم الشعراء من العصر الجاهلی حتى سنة ۲۰۰۲ م، کامل سلمان الجبوری، جلد ۴، ص ۲۳۱.

۲. زهرالآداب و ثمرالآباب، حصری فیروانی، جلد ۳ ص ۵۱.

۳. الحیوان، جاحظ جلد ۴ ص ۲۶۵، الأغانی جلد ۱۳ ص ۱۲۳.

۴. جهت اطلاع از چند و چون کشته شدن جعفر رجوع کنید به ترجمه به ترجمه تاریخ یعقوبی جلد ۲ ص ۴۳۰.

سرزنش می‌کند که چرا به ثروت بها نمی‌دهم .

در اطراف خود زنانی را می‌بیند که گردنبندهایی انداخته و با ناز و کرشمه دامن کشانند. فرض کن من هم دست یافتم به آنچه جعفر و یحیی پسر خالد از ثروت دست یافت. همانا - رسیدن به - جایگاههای بلند در گرو رفتن در کام مارهای سیاه بزرگ است».

* * *

تَقُولُ سُلَيْمَى لَأَتَعَرِّضُ لِبَلْعَةِ
وَكَيْفَ يَنَامُ اللَّيْلَ مَنْ بَعْضُ هَمِّهِ
وَلَيْلِكَ مِنْ لَيْلِ الصَّعَالِيكِ نَائِمٌ
حِسَامٌ كَلَوْنَ الْمَلْحِ أَيْضُ صَارُمٌ
أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ الصَّعَالِيكِ نَوْمُهُمْ
قَلِيلٌ، إِذَا نَامَ الدُّثُورُ الْمُسَالِمُ

جلد ۲ ص ۱۲۳

بیتها از عمرو بن برّاقه همدانی شاعر جاهلی است، او دزدی شجاع و ستیهنده بود. از دزدان کسی به پای او نمی‌رسید. او معمولاً با تَابُطُ شَرًّا به قبیله مجیله می‌تاخت و اموال آنها را غارت می‌نمود. تَابُطُ شَرًّا در قصیده «قافیّه» خود به این نکته اشارت دارد.^۱

آورده‌اند که حریم همدانی بر شتران و اسبان عمرو بن برّاقه تاخت و آنها را به غارت برد. عمرو به قصد حریم پیش سلمی دختر مهتر قبیله - که مردم از او حرف شنوی داشتند - آمد و ماجرا به او بیان نمود. سلمی او را از شجاعت حریم ترسانید، اما عمرو به حرف او گوش نکرد و به حریم یورش برد و همه وسایل او به غارت برد. حریم پیش عمرو آمد و از او خواست که مقداری از آنچه به بیغما برده است، پس دهد، عمرو نپذیرفت و حریم برگشت و عمرو چنین سرود:^۲

۱. الحماسة البصرية، الحسن البصري، جلد ۱ ص ۳۳۹.

۲. دیوان تَابُطُ شَرًّا، ص ۳۸۳:

لَيْلَةَ صَاخُوا وَأَغْرُوا بِي سِرَاعُهُمْ
بِالْعَيْكُتَيْنِ لَدَى مَعْدَى ابْنِ بَرَّاقِ

۳. الأملی القالی جلد ۲، ص ۱۲۱، ۱۲۲، الأغانی جلد ۲۱ ص ۱۷۵ و الحماسة البصرية جلد ۱ ص ۳۴۰.

تَقُولُ سَلِيْمِي لَأَ تَعْرَضُ لِتَلْفَةِ
وَلَيْلِكَ عَنِ لَيْلِ الصَّعَالِيكِ نَائِمٌ
وَكَيْفَ يَنَامُ اللَّيْلَ مَنْ جُلُّ مَالِهِ
حُسَامٌ كَلَوْنَ الْمَلْحِ أَيْضُ صَارُمٌ
أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ الصَّعَالِيكَ نَوْمُهُمْ
قَلِيلٌ إِذَا نَامَ الْخَلِيُّ الْمَسَالِمُ ...^۱

«سلیمی گوید خطر نکن، شب تو آرمیده‌تر از شب دزدان است. و کسیکه تمام ثروتش یک شمشیر سفید برنده به رنگ نمک است، شب چگونه می‌خوابد. آیا ندانستی که خواب دزدان کم است، هرگاه هم پیمان آسوده خاطر - آنها - در خواب باشد».

* * *

فَأَنْتَ الْيَوْمَ فِي الشَّهْدَاءِ بَدْرٌ
وَمَنْ يَهْوَاكَ مِنْ شُهْدَاءِ بَدْرٍ

۲/۱۲۹

متأسفانه گوینده بیت را پیدا نکردم اما معنی بیت چنین خواهد بود:

«تو امروز در بین شهیدان مانند ماه تمام هستی، و کسیکه تو را دوست دارد از شهیدان جنگ بدر به شمار می‌آید».

* * *

إِذَا أَنْتَ لَمْ تَعَشِقِ وَ لَمْ تَدْرِ مَا الْهَوَى
فَأَنْتَ وَ عَيْرٌ فِي الْفَلَاحِ سَوَاءٌ

۲/۱۲۹

بیت از عامر بن شراحیل بن عبد ذی کبار الحمیری الشعبی، مکنی به أبو عمر و است.^۲

اوندیم عبدالملک بن مروان و رسول او به شاه روم بود. او محدث و فقیه و شاعر بود در سال ۷۲۱ م فوت کرده است.^۳

۱. الحماسة البصرية، جلد ۱، ص ۳۴۰.

۲. نهاية الأرب في فنون الأدب، التويری، جلد ۲ ص ۱۵۴، معجم كنوز الأمثال والحكم العربية، كمال خلايلي، ص ۱۳۶.

۳. نهاية الأرب، التويری، جلد ۲، ص ۱۵۴.

در تزیین الأسواق فی أخبار العشاق نویسد:

«وقال ابن أبي كثير لابن أبي الزرقاء هل عَشَقْتَ حَتَّى تَكْتَابَ وَ تَراسِلَ، فَقَالَ لَا. قَالَ لَنْ

تَفْلَحَ وَ اللهُ أَبَدًا وَ أُنشد الشَّعْبِي: «إِذَا أَنْتَ لَمْ تَعشُقْ...»^۱

«وقتی عاشق نشدی و نفهمیدی «عشق» چیست، تو و خر بیابان با هم برابر هستید».

* * *

إِذَا الْعشْقُ كَلَفَظَ فارغ ما فيه معنى

۲/۱۳۰

«همانا عشق مانند سخن پوچی است که معنی ندارد».

گمان دارم روایتی دیگر از شعر الشریف المرتضی باشد که گوید:

إِذَا الطَّيْفُ كَلَفَظَ فارغ ما فيه معنى

* * *

إِنْ يُكُنْ هَذَا ضَلَالًا فَأَثْرُ كُونِي وَ ضَلَالِي

۲/۱۳۱

متأسفانه گوینده بیت را پیدا نکردم.

«اگر این گمراهی است، بگذارید گمراه بمانم».

* * *

بِاللهِ يَا ظَبِيَّاتِ القَاعِ قُلْنَ لَنَا لَيْلَايَ مِنْ كُنَّ أَمَ لَيْلَى مِنَ البَشَرِ

۱/۱۳۳

«شما را به خدا ای آهوان بیابان به ما بگوئید آیا لیلی از شماست یا لیلی بشر است»

۱. تزیین الأسواق فی اخبار العشاق، داود الأنطaki، جلد ۱، ص ۲۲. والواضح المبين في ذكر من استشهد من المحبين،

این بیت را علاوه بر مجنون به افراد دیگر نیز نسبت داده‌اند جهت اطلاع بیشتر به خزانه الأدب جلد ۱ ص ۱۱۰، الصناعین ص ۳۹۶ و الإنصاف فی مسائل الخلاف جلد ۲ ص ۴۸۲ مراجعه فرمایید.

* * *

لَمَّا رَأَيْتُ الدَّمْعَ يَفْضَحُنِي وَ يَزِيدُ كَرَبًا عَلَيَّ كَرَبِي
أَلْقَيْتُ غَيْرَكَ فِي ظُنُونِهِمْ وَ سَتَرْتُ وَجْهَ الْحُبِّ بِالْحُبِّ

۲/۱۳۳

این دو بیت از ابن‌المعتز است که در دیوان او چنین آمده است:

لَمَّا رَأَيْتُ الدَّمْعَ يَفْضَحُنِي وَ قَضَتْ عَلَيَّ شَوَاهِدُ الصَّبِّ
أَلْقَيْتُ غَيْرَكَ فِي ظُنُونِهِمْ فَسَتَرْتُ وَجْهَ الْحُبِّ بِالْحُبِّ^۲

وقتی دیدم اشک رسوایم می‌سازد و دردی بر دردهایم اضافه می‌کند.

- دوستی با - جز تو را در گمانهایشان انداختم، و چهره دوست را با دوست پوشاندم. جهت اطلاع بیشتر به زهرالآداب جلد ۴ ص ۱۶۱ و محاضرات الادباء جلد ۳ ص ۲۰۲ رجوع شود.

* * *

۲/۱۴۴

تراضينا بقسم الله فينا

گمان دارم روایتی دیگر از صدر بیتی از محمود وراق است که گوید:

تَرَاضَيْنَا بِحُكْمِ اللَّهِ فِيْنَا لَنَا أَدَبٌ وَ لِلتَّقْفَى مَالٌ

به حکم خدا در بین خود راضی شدیم، ادب از آن ما و مال از آن تقفی است.

* * *

۱. دیوان لیلی مجنون، شرح عدنان زکی درویش ص ۱۲۷.

۲. دیوان شعر ابن‌المعتز جلد ۱ ص ۲۳.

۱/۱۵۳

و بعض الشر أهون من بعض

این عبارت مثل بوده و موقع پیدا شدن دو شر که بین آنها تفاوت باشد به کار می‌رود.^۱ این مثل را شاعران نیز فراوان در اشعار خود به کار برده‌اند. به عنوان مثال طرفه بن عبد وقتی در زندان الکعب در بحرین از محتوای نامه عمرو بن هند یا عمرو بن منذر، که حاوی فرمان قتل او بود، با خبر شد، در قصیده‌ای چنین سراید:

أبا مُنْذِرٍ أَفْتَيْتَ فَاسْتَبَقِ بَعْضَنَا حَنَائِكَ، بَعْضُ الشَّرِّ أَهْوَنُ مِنْ بَعْضِ^۲

أبا منذر، مهربان باش، - همه - ما را کشتی، بعضی را نگهدار، که پاره‌ای از بدیها آسان‌تر از بدیهای دیگر است.

و أبو خراش‌الهدلی پس از کشته شدن برادرش «عروة» و نجات یافتن و زنده ماندن پسرش «خراش» از اینکه هر دو تا کشته نشده‌اند چنین گوید:

حَمِدْتُ إلهی بَعْدَ عُرْوَةَ إِذْ نَجَا خِرَاشٌ وَ بَعْضُ الشَّرِّ أَهْوَنُ مِنْ بَعْضِ^۳

و حافظ علیه‌الرحمة در مضمون این مثل گوید:

روزی اگر غمی رسد تنگدل مباش رو شکر کن مباد که از بد بتر شود

و در جلد اول ص ۷۴ تاریخ جهانگشای جوینی می‌خوانیم:

به هر حال مر بنده را شکر به که بسیار بد باشد از بد بتر

* * *

وَ إِنْ تَكُ فَاتَتْكَ العُلَى يَابِنِ رَسْتَقِ فَدَعَهَا وَ لَكِنْ لَا تَفْتَكِ الأَسَافِلِ

۱/۱۵۴

۱. فرائد الخرائد في الأمثال، أبي يعقوب يوسف بن طاهر الخويي، ص ۸۸.

۲. دیوان طرفه بن عبد، ص ۱۲۰.

۳. شرح أشعار الهدليين، أبو سعيد الحسن بن الحسين الكسري، ج ۳، ص ۱۲۳.

صاحب لسان العرب این بیت را با بیتی دیگر در ذیل ماده «مرق» از قول ابن‌الاعرابی چنین آورده است:

أَفِي كُلِّ عَامٍ أَنْتَ مُهْدِي قَصِيدَةٍ يُمَرِّقُ مَذْعُورٌ بِهَا فَالْتِهَابِلُ
فَإِنْ كُنْتَ فَاتِكِ الْعُلَى، يَا بِنَ دَيْسِقِ فَدَعَّهَا، وَ لَكِنْ لَا تُفْتِكِ الْأَسَافِلُ

در حال حاضر معنی روشن دو بیت معلوم نشد.

* * *

أَلْقَاهُ فِي الْبَحْرِ مَشْدُوداً وَ قَالَ لَهُ إِيَّاكَ إِيَّاكَ ! أَنْ تَبْتَلَّ بِالمَاءِ

ص ۲/۱۷۸

این بیت با بیتی دیگر در دیوان حلاج ص ۲۶ چنین آمده است :

مَا يَفْعَلُ الْعَبْدُ وَالْأَقْدَارُ جَارِيَةً عَلَيْهِ فِي كُلِّ حَالٍ أَيُّهَا الرَّائِي
أَلْقَاهُ فِي الْيَمِّ مَكْتَوْفًا وَ قَالَ لَهُ: إِيَّاكَ إِيَّاكَ أَنْ تَبْتَلَّ بِالمَاءِ

« ای رایی حالیکه در همه حال احکام‌الاهی جاری است از بنده چه کاری بر می‌آید، وی را کت بسته در دریا انداخت و به او گفت : بر حذر باش، بر حذر باش تا خیس آب نشوی .

* * *

سَيُعْنِي اللَّهُ عَنْ بَقَرَاتِ عَوْفٍ وَيَأْتِي اللَّهُ بِاللَّبَنِ الْحَلِيبِ

۲/۱۷۸

این بیت بدون اشاره به گوینده آن در المستطرف ایشیبهی آمده است و در آنجا بجای «عوف»، «زید» ذکر شده است:

سَيُعْنِي اللَّهُ عَنْ بَقَرَاتِ زَيْدٍ وَيَأْتِي اللَّهُ بِاللَّبَنِ الْحَلِيبِ

خداوند بزودی مرا از گاوهای عوف یا زید بی‌نیاز می‌کند و از جانب خویش شیر تازه‌ای برای من می‌فرستد.

شاعری دیگر گوید:

سَيُعْنِي اللهُ عَنْ زَيْدٍ وَعَمْرٍو وَيَأْتِي اللهُ بِالْفَرْجِ الْقَرِيبِ^۱

و در سحرالحلال چنین آورد:

سَيُعْنِي اللهُ عَنْ بَقَرَاتِ زَيْدٍ وَيَأْتِي اللهُ بِاللَّبَنِ الْغَزِيرِ^۲

* * *

إِنْ لَمْ يُصِبْهَا وَأَبْلُ فَطَلُّ^۳

جلد ۲، ص ۱۸۱

کمال‌الدین علی بن محمد بن یوسف بن الثیبیه المصری بیتی دارد که می‌گوید:

قَلِيلُ الْوَصْلِ يُشْعِئُهَا فَإِنْ لَمْ يُصِبْهَا وَأَبْلُ مِنْهُ فَطَلُّ^۳

«کم توقع است، اگر به باران تندی از او دست نیافت، باران نرمی او را راضی می‌کند».

جهت اطلاع بیشتر از ترجمه حال و اشعار ابن‌النبیه به شذرات الذهب جلد ۵ ص ۱۷۷،

فوات الوفيات جلد ۳ ص ۶۶ و الوافی بالوفیات جلد ۲۱ ص ۲۸۴ مراجعه فرمایید.

۱. همان مأخذ.

۲. السحرالحلال فی الحکم و الأمثال، ص ۱۰۰.

منابع :

١. الأزمنة والأمكنة، الإمام أبى على أحمد بن محمد بن الحسن المرزوقى، حققة و علق عليه، الدكتور محمد نايف الدليمى، عالم الكتب، الطبعة الأولى ١٤٢٢ هـ ٢٠٠٢ م، بيروت، لبنان .
٢. الأغاني، ابوالفرج الاصفهاني، داراحياء التراث العربى، بيروت، لبنان، الطبعة الثانية ١٤١٨ هـ ١٩٩٧ م .
٣. الأمالى، ابوعلى اسماعيل بن القاسم القالى البغدادي، مطبعة دارالكتب المصرية بالقاهرة، الطبعة الثانية، ١٣٤٤ هـ ١٩٢٦ م .
٤. الإنصاف فى مسائل الخلاف، الانبارى، المكتبة العصرية، صيدا، بيروت، ١٤١٩ هـ ١٩٩٨ م .
٥. البيان والتبيين، أبوعثمان عمرو بن مجرا الجاحظ، بتحقيق و شرح عبدالسلام محمد هارون، دارالجيل بيروت.
٦. التذكرة الحمدونية، ابن حمدون، تحقيق احسان عباس و بكر عباس، الطبعة الأولى ١٩٩٦، دارصادر لطباعة والنشر، بيروت، لبنان .
٧. تزيين الأسواق فى أخبار العشاق داود الأنطاكى، دار المكتبة الهلال، بيروت، لبنان، ٢٠٠٢ م .
٨. الحماسة البصرية، الحسن البصرى، تحقيق و شرح و دراسة الدكتور عادل سليمان جمال، الطبعة الأولى، ١٤٢٠ هـ ١٩٩٩ م، الناشر المكتبة الخانجي، القاهرة .
٩. الحيوان، ابوعثمان عمرو بن مجرا الجاحظ، بتحقيق و شرح عبدالسلام محمد هارون، دارالجيل، بيروت، ١٤٠٨ هـ ١٩٨٨ م .
١٠. خزانة الأدب و لبّ لباب لسان العرب، عبدالقادر بن عمر البغدادي، قدّم له و ... د. اميل بديع يعقوب، منشورات، محمدعلى بيضون، دارالكتب العلمية، بيروت، لبنان، الطبعة الأولى ١٤١٨ هـ ١٩٩٨ م .

١١. دیوان تأیبط شراً و أخباره جمع و تحقیق و شرح: علی ذوالفقار شاکر، دارالغرب الاسلامی، الطبعة الثانية، ١٤١٩هـ ١٩٩٩م.
١٢. دیوان شعر ابن المعتز، ابوبکر محمد بن یحیی الصّولی، تحقیق الدكتور یونس احمد السّامرائی عالم الکتب، بیروت، لبنان، الطبعة الأولى ١٤١٧هـ ١٩٩٧م.
١٣. دیوان طرفة بن العبد، تقدیم و شرح عبدالقادر محمد مایو منشورات دارالقلم العربي، الطبعة الأولى، ١٤٢٠هـ ١٩٩٩م.
١٤. دیوان مجنون لیلی، شرح عدنان زکی درویش، دارصادر، بیروت، ١٤١٤هـ ١٩٩٤م.
١٥. زهرالآداب و ثمرالآلباب لأبی اسحاق ابراهیم بن علی الحصری القیروانی، قدم له و شرحه و وضع فهارسه: الدكتور صلاح الدین السهواری، المكتبة العصرية صیدا، بیروت، الطبعة الأولى، ١٤٢١هـ ٢٠٠١م.
١٦. السّحرُ الحلال فی الحكم و الأمثال السید احمد الهاشمی، تحقیق، الدكتور انطونینوس بطرس، مؤسسة المعارف، بیروت، لبنان، الطبعة الأولى، ٢٠٠١م، ١٤٢١هـ
١٧. شرح اشعار الهذليين، صنعة ابی سعید الحسن بن الحسین السّکری، حققه عبدالستار احمد فراج، راجعه محمود محمد شاکر مكتبة دارالعروبة .
١٨. الشواهد الشعرية فی تفسیر القرطبي تحقیق و دراسة الاستاذ الدكتور عبدالعال سالم مکرم، الطبعة الأولى، ١٤١٨هـ ١٩٩٨م الناشر عالم الکتب.
١٩. الصناعتین الکتابة والشعر، أبو هلال العسکری، تحقیق: علی محمد البجاوی، محمد ابوالفضل ابراهیم المكتبة العصرية، صیدا، بیروت، ١٤١٩هـ ١٩٩٨م .
٢٠. العقد الفريد، احمد بن محمد بن عبد ربه الأندلسی، داراحیاء التراث العربي، بیروت، لبنان، الطبعة الأولى، ١٤١٧هـ ١٩٩٦م .

٢١. عيون الأخبار، عبدالله بن مسلم بن قتيبة الدينوري، شرح وعلق عليه، الدكتور مفيد محمد قميحة، منشورات محمدعلي بيضون، دارالكتب العلمية، بيروت، لبنان، الطبعة الثانية، ٢٠٠٣ م، ١٤٢٤هـ.
٢٢. لسان العرب، ابن منظور، دارصادر، بيروت.
٢٣. محاضرات الادباء و محاورات الشعراء والبلغاء، الراغب الاصفهاني، تحقيق الدكتور رياض عبدالحميد مراد الطبعة الاولى، ١٤٢٥هـ ٢٠٠٤م دارصادر، بيروت، لبنان.
٢٤. المستطرف في كل فن مستظرف، محمد بن احمد بن منصور الإبشيهي عنى بتحقيقه ابراهيم صالح دارصادر، بيروت، الطبعة الأولى ١٩٩٩ م.
٢٥. معجم الشعراء من العصر الجاهلى حتى سنة ٢٠٠٢ م، كامل سلمان الجبوري، منشورات محمدعلي بيضون دارالكتب العلمية، بيروت، لبنان، الطبعة الأولى ٢٠٠٣ م، ١٤٢٤م.
٢٦. معجم كنوز الأمثال والحكم العربية، الدكتور كمال خلايلي، مكتبة لبنان ناشرون، الطبعة الأولى ١٩٩٨م.
٢٧. نهاية الأرب في فنون الأدب تأليف شهاب الدين احمد بن عبدالوهاب النويري، تحقيق الدكتور مفيد قميحة، منشورات محمدعلي بيضون، دارالكتب العلمية، بيروت، لبنان، الطبعة الأولى، ٢٠٠٤ م، ١٤٢٤هـ.
٢٨. الواضح المبين في ذكر من استشهد من المحبين، علاء الدين مغلطاي بن قليج بن عبدالله الحنفي، تحقيق سيد كسروي حسن، منشورات محمدعلي بيضون، دارالكتب العلمية، بيروت لبنان، الطبعة الأولى، ٢٠٠٥ م، ١٤٢٦هـ.